

جغرافیای تاریخی مکریان

لقمان توتونچی^۱، جعفر زمانی^۲

^۱ کارشناس ارشد جغرافیای برنامه ریزی شهری.

^۲ کارشناسی ارشد معماری.

نام نویسنده مسئول:

لقمان توتونچی

چکیده

بخشی از علم جغرافیا، به جغرافیای تاریخی اختصاص دارد، ولی در تعیین حدود قلمرو آن هیچ گونه توافقی بین جغرافیدانان صورت نگرفته است. از دیدگاه برخی جغرافیدانان، در جغرافیای تاریخی ساختمان و اسکلت محیط های جغرافیایی در دوره های تاریخی تجدید بنا میگردد و تکامل کشور ها و نقش یابی آن ها در دوره های تاریخی مورد توجه قرار میگیرد (شکویی الف، ۱۳۶۴، ۳۶). با پذیرش این دیدگاه، جغرافیای تاریخی راهنمایی است برای اشخاصی که در هنگام مسافرت و سیاحت میخواهند در ضمن سفر روزگار گذشته، سرزمین مورد بازدید را در نظر مجسم کنند. با توجه به این که در مطالعات جغرافیای تاریخی، روابط مکانی انسان در قلب مقاطع زمانی، بررسی میشود، لذا بررسی های جغرافیای تاریخی، چگونگی مسایل جغرافیایی امروز بشر را روشن می سازند (بیگ محمدی، ۱۳۷۸، ۱۵). در تحقیق مورد نظر سعی بر این شده تا با مبانی نظری جغرافیای تاریخی "منطقه مکریان در ادوار گذشته الخصوص سردار عزیزخان با روش کتابخانه ای مورد توصیف قرار گیرد.

واژگان کلیدی: جغرافیای تاریخی، گُردستان موکری، کردها، موکریان.

مقدمه

جغرافیا آن خشب از دانش بشری است که از مشخصات مناطق و نواحی مختلف زمین و پراکندگی پدیده های گوناگون طبیعی و انسانی سطح آن بحث میکند و روابط انسان و محیط و پدیده های مذکور را مطالعه می کند.

بخشی از علم جغرافیا، به جغرافیای تاریخی اختصاص دارد، ولی در تعیین حدود قلمرو آن هیچ گونه توافقی بین جغرافیدانان صورت نگرفته است. از دیدگاه برخی جغرافیدانان، در جغرافیای تاریخی ساختمان و اسکلت محیط های جغرافیایی در دوره های تاریخی تجدید بنا میگردد و تکامل کشورها و نقشهایی آن ها در دوره های تاریخی مورد توجه قرار میگیرد (شکویی الف، ۱۳۶۴، ۳۶).

تعاریف مختلفی از جغرافیای تاریخی ارائه شده است. برخی آن را شاخه ای از جغرافیای انسانی و بعضی آن را شعبهای از جغرافیای طبیعی میدانند. برخی عقیده دارند که جغرافیای تاریخی رشته جداگانه ای است که هم از اوضاع طبیعی و هم از اوضاع اقتصادی، انسانی و سیاسی در طول دوره های از تاریخ بحث میکند، لذا فهم و شناخت بسیاری از اسامی مکان هایی که در کتابهای جغرافیا به چشم میخورد، فقط از طریق مطالعه جغرافیای تاریخی امکان پذیر است (نهجیری، ۱۳۷۰، ۹). جغرافیای تاریخی را باید به معنای مطالعه و بررسی جغرافیایی یک منطقه در دوران های گذشته دانست و اینجا است که تفاوت عمده بین جغرافیای زمان حال-که بر مبنای روابط مکانی استوار است- با جغرافیای تاریخی-که در آن عامل زمان نقش مهمی دارد- روشن می شود. در این شاخه جغرافیا با شیوه ای علمی به تشریح و تبیین پدیده های مکانی در ارتباط با تحول آنها در طول زمان پرداخته می شود. تحولات در یک ناحیه یا یک پدیده جغرافیایی، بیانگر تغییر آن در طول زمان است. تحولات شاید در مدت زمان کوتاهی صورت گرفته و یا حاصل گذشت چندین قرن باشند (شکویی، ۱۳۷۸، ۹۹).

با پذیرش این دیدگاه، جغرافیای تاریخی راهنمایی است برای اشخاصی که در هنگام مسافرت و سیاحت میخواهند در ضمن سفر روزگار گذشته، سرزمین مورد بازدید را در نظر مجسم کنند. با توجه به این که در مطالعات جغرافیای تاریخی، روابط مکانی انسان در قلب مقاطع زمانی، بررسی میشود، لذا بررسی های جغرافیای تاریخی، چگونگی مسایل جغرافیایی امروز بشر را روشن می سازند (بیگ محمدی، ۱۳۷۸، ۱۵).

از جمع دیدگاه های جغرافیدانان و مورخان میتوان جغرافیای تاریخی را به شرح زیر تعریف کرد: جغرافیای تاریخی، شرح تغییرات عوامل جغرافیایی در طول زمان است که در آن، تأثیر گذشت زمان و مداخله بشر در طبیعت و تأثیر محیط های جغرافیایی در پدیده های تاریخی بررسی میشود (خیراندیش و دیگران، ۱۳۷۸، ۳۲). پس جغرافیای تاریخی بررسی بیوگرافی شهرها یا مناطق و نواحی جغرافیایی است که به ما یاری میدهد تا شهرها، مناطق و نواحی جغرافیایی را در گذر زمان بهتر بشناسیم. خلاصه اینکه در جغرافیای تاریخی مطالب جغرافیا را تا عصر حاضر باید بررسی کرد

و با آغاز بحث جغرافیا در زمان فعلی بحث جغرافیای تاریخی خاتمه مییابد (نهجیری، ۱۳۷۰، ۸-۹). از این روست که مؤسسه جغرافیدانان انگلیس در اوایل سال ۱۹۸۴ در معرفی رشته های تخصصی و کاربردی جغرافیا دوازدهمین رشته را که دارای جغرافیای کاربردی مخصوص خود است، جغرافیای تاریخی میداند (شکویی ب، ۱۳۶۴، ۴۴-۴۵)

وجه تسمیه موکریان

در بررسی جغرافیای تاریخی مکان یا شهری فرضی، این که آن مکان یا شهر چه نامهایی داشته، وجه تسمیه نام ها، مرکزیت بودن آن، میزان جمعیت، محصولات کشاورزی، صنایع، معادن، آب و هوا و... چگونه بوده اند، بسیار اهمیت دارد (نهجیری، ۱۳۷۰، ۸-۹). اگر بپذیریم که در جغرافیای تاریخی، ساختمان و اسکلت محیط های جغرافیایی در دوره های تاریخی تجدید بنا میگردد، در این راستا در مورد جغرافیای تاریخی موکریان ابتدا اشاره به وجه تسمیه ضروری به نظم پرسد.

البته، تنها با یک تحقیق نمیتوان تعیین کرد که اسامی قدیم جغرافیایی ناحیه موکریان در چه تاریخی از بین رفته اند و اسامی جدید در چه روزگاری به میان آمده اند. وجود تعداد زیادی اسامی جغرافیایی مغولی در منطقه جلگه های شرق و شمال شرق موکریان به حاکمیت مغول ها در آن دوره در این منطقه اشاره دارد، در حالی که در منطقه کوهستانی غرب موکریان بندرت اسامی جغرافیایی مغولی به چشم میخورد (صمدی، ۱۳۶۳، ۱۵). وقدمت واژه های اماکن جغرافیایی، بسیار بیشتر است. بر این اساس، محققانی چون «مکان های جغرافیایی مغولی در گوردستان موکریان» مینورسکی (۱۹۵۷) به تهیه مقاله پرداخته اند. مشکل دیگر روشن نبودن خصوصیات جغرافیای تاریخی منطقه مورد مطالعه در برخی ادوار است.

نام منطقه جغرافیایی مورد مطالعه به پنج شیوه در منابع درج شده است که عبارتند از:

۱- گوردستان موکری (حزنی، ۱۹۳۸ - تابانی، ۱۳۵۸)

۲- گُردستان مَکری (نیکیتین، ۱۳۶۶)

۳- گُردستان موکریان (خضری، ۱۳۷۹)،

۴- مَکریان (افخمی، ۱۳۷۳)

۵- موکریان گُردستان (چوکالی، ۲۰۰۷)

در اسناد قدیمی نام مَکری تحت عنوان :

منطقه، زبان و عشیره آمده است (بدلیسی، ۱۳۶۴). همچنین در دو سده پیش نیز نام مَکری در منابع برای عبارات فوق به کار رفته است (مینورسکی، ۱۹۸۳). با این اوصاف، در خصوص وجه تسمیه واژه مَکری = « و » موکریان = مَکریان « و ریشه آن، جمع بندی نظرات متفاوت ارائه شده است:

الف) برخی از محققان چون بدلیسی (۱۳۶۴) نام مَکری را به سیف الدین مَکری نسبت نسبت حکام مَکری به قبیله مَکریه که در نواحی شهرزول (شاه زور) توطن میدهند دارند، میرسد... سیفالدین مَکری به متانت رأی و فطانت ذهن مشهور بدلیسی، (۱۳۶۴، ۳۷۲) نسبت می دهند

ب) برخی محققان دیگر واژه موکریان را به قبایل ماد بوده اند که گویا یکی از «مهاکریان» (حزنی، ۱۳۸۲، ۲۰)

ج) عده ای عقیده دارند همانگونه که نام ایل ترکمنی ذکر شده، ممکن است «مَکری» که نام مَکری از کلمه مَکریت گرفته شده باشد (روژبیانی، ۱۳۸۱، ۲۱)

د) روژبیانی (۱۳۸۲) عقیده دارد که واژه «مغ راه» یا «مغ ری» در اصل «مَکری» بوده، سپس به مَکریان و موکریان تغییر «مغ ریان» = راه مغان = راه مغ ها « موکریان نیز یافته است. شاهان ایرانی، حتی ساسانی ها وقتی به تاج و تخت می رسیدند، می بایست از تیسفون پیاده به برونند تا در برابر آتش مقدس گُرنش «شیز = تخت سلیمان کنونی» بر آن نهاده شد «مغ ریان» کنند. از این رو، چون دشت موکریان بر سر راه مغان بود، نام و سرانجام به موکریان تبدیل شد (روژبیانی، ۱۳۸۲، ۳۰)

پیشینه و منابع جغرافیایی

شایان ذکر است که بسیاری از موارد جغرافیایی موکریان مورد تحقیق واقع نشده است و نمیتوان به تمام مقاصد جغرافیای تاریخی نایل آمد. تقریباً تمام تألیفاتی که راجع به جغرافیای تاریخی ایران نگارش یافته منتهی به آن است که تعریف ها و گفته های سیاحان اخیر را با اطلاعات مبسوطی که جغرافیا نویسان مسلمان راجع به اوضاع مملکت در قرن دهم بر جا گذاشته اند، مقایسه میکنند. در جغرافیای تاریخی ایران، گاه به صورت مطالعه موردی شهرنشینی و شهرسازی در ایران و روند شهرها و شهرنشینی در طول دوره های تاریخی بررسی شده است که از دیدگاه جغرافیای تاریخی در این زمینه نگرش علمی ایجاد میکنند (رهنمایی، ۱۳۷۱)

گاهی در مطالعات جغرافیای تاریخی عشایر ایران در کانون توجه بوده اند. برای مثال، صفی نژاد (۱۳۶۷) به بررسی جمعیت عشایری ایران از سال ۱۱۲۸ تا ۱۲۲۰ هجری قمری در ایران پرداخته است و عشایر موکریان نیز در حیطه آن بررسی شده اند. وقایع نگار گُردستانی (۱۳۶۴) نیز به عشایر و جمعیت آنها در گُردستان اشاراتی نموده است.

مطالعه موردی جغرافیای تاریخی شهرها در ایران انگشت شمارند:

از جمله مهمترین جغرافیدانان و مستشرقانی که در دو سده پیش به موکریان آمده و منابع مطالعاتی نیز در این زمینه تدوین کرده اند، عبارتند از:

۱- سر کینر (۱۸۱۳)، مسافرت به گُردستان؛

۲- ج. س. بوکینگ هام (۱۸۱۶)، مسافرت- در آسور و غیره؛

۳- ریچ (۱۸۲۰)، شرح اقامت در گُردستان؛

۴- هون. ژ. کپیل (۱۸۳۶-۱۸۳۱)، سه سال اقامت در ایران؛

۵- کاپیتان، ر. میگنان، مسافرت زمستانه از روسیه تا گُردستان؛

۶- شرفخان (۱۸۶۰)، تاریخ گُردستان؛

۷- ژاک دمورگان (۱۸۹۰)، جغرافیای غرب ایران و

دمورگان می نویسد: از ۴۰ سال پیش (یعنی از ۱۸۵۰) تاکنون (۱۸۹۰) هیچ اروپایی به سردشت در موکریان نیامده است

(دمورگان، ۱۳۳۹)

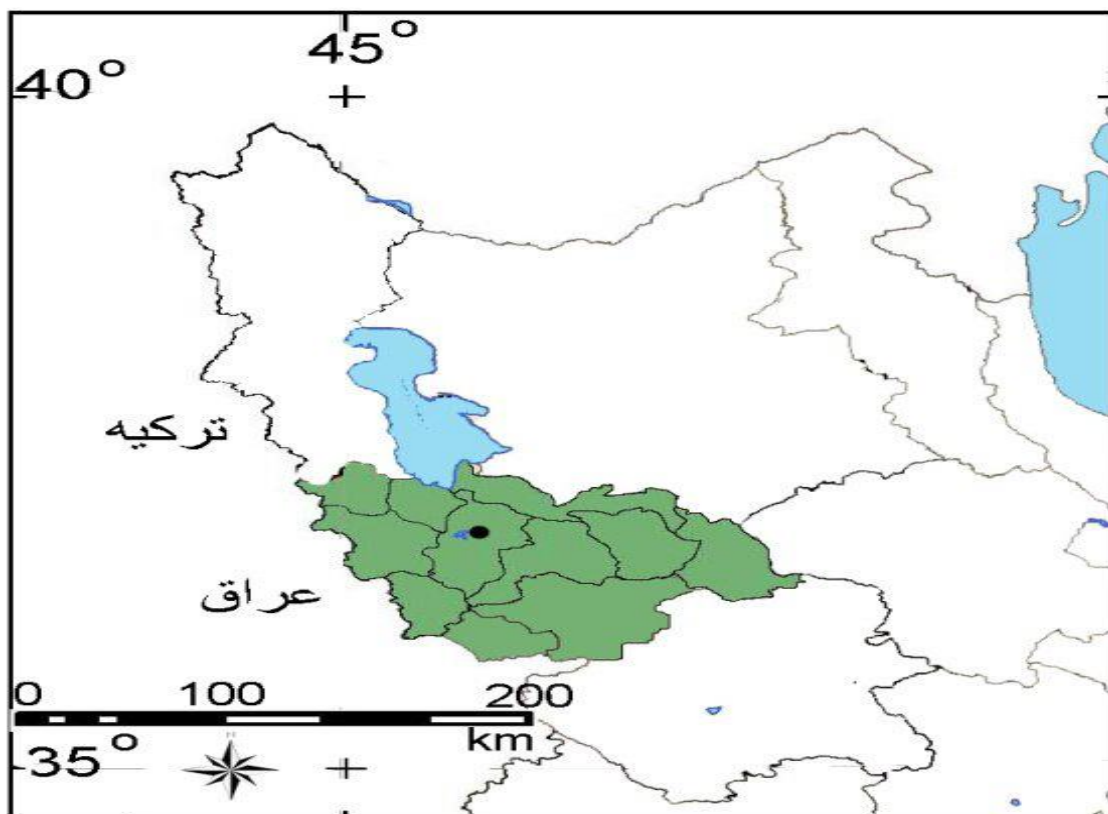
جایگاه کنونی موکریان

تاکنون اساس تقسیمات داخلی ایران را پراکندگی جمعیت و تقسیمات قبایل و گروه های مختلف زبانی تشکیل داده است (میر حیدر، ۱۳۵۷، ۱۰۷)، لذا تغییرات در تقسیمات سیاسی در چند سده اخیر در ایران معمول بوده، ناهمخوانی تقسیمات سیاسی کنونی با تقسیمات گذشته، نتیجه تحول در ویژگی های موارد بالاست. البته، در مطالعات ناحیه ای در علم جغرافیا می توان واحدهای جغرافیایی را بدون توجه به مرزهای سیاسی، ایالتی و ساحلی کنونی انتخاب کرد و بررسی نمود (شکوهی، ۱۳۶۴، ۶۲) نظرات در مورد محدوده کنونی و گذشته موکریان متفاوت است

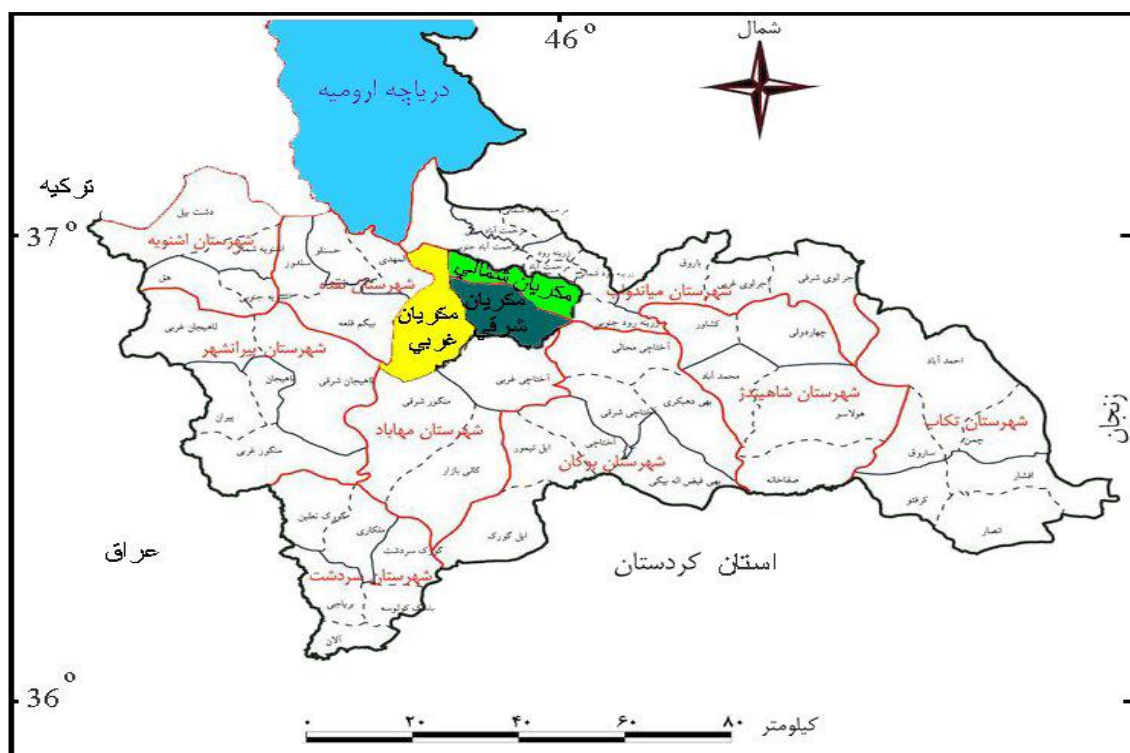
منطقه مورد مطالعه (کردستان موکری) اکنون بر بخش هایی از شمال و شمال غرب استان کردستان و جنوب و جنوب غرب استان آذربایجان غربی منطبق است، که با عنوان برخی کردستان شمالی، کردستان شمالی خوانده میشود (محمودی، ۱۳۷۵، ۱۸)، را تنها برای بخش مرکزی و شمالی کردستان موکری به کار میبرند (جمعی از دبیران جغرافیا، ۱۳۷۲) - نقشه ۱

تا پس از انقلاب در تقسیمات اداری منطقه واژه گورک موکری وجود داشت، ولی اکنون در تقسیمات سیاسی - اداری منطقه، آنچه از موکریان دیرین به صورت رسمی برجای مانده و مرقوم است، تنها دهستان های مکریان شرقی، مکریان غربی و مکریان شمالی است. مکریان شرقی و مکریان غربی به همراه آختاچی غربی، بخش مرکزی شهرستان مهاباد را تشکیل می دهند و دهستان مکریان شمالی یکی از دهستان های بخش مرحمت آباد میاندوآب کنونی است (نقشه ۲)

نقشه ۱) کردستان شمالی (موکریان)



نقشه ۲) دهستان های مکریان شرقی، مکریان غربی و مکریان شمالی در تقسیمات اداری کنونی



جایگاه گذشته موکریان

به هنگام بحث از جغرافیای تاریخی مکانی جغرافیایی (چون شهر یا ناحیه‌های مشخص)، موقعیت جغرافیایی آن در دوره های مختلف تاریخی از اهمیت زیادی برخوردار است و بررسی سیر تحول واحدهای جغرافیایی در گذر زمان برای تبیین واقعیات جغرافیای تاریخی امری ضروری است. کردستان موکری قدمت دیرینه دارد، تا آنجا که دیاکونوف (۱۳۴۵) نویسنده روسی واقعیت آن است که تاکنون دقیقاً مشخص نشده، انسان ها از چه « : در تاریخ ماد می نویسد زمانی به سرزمین ماد قدم نهاده اند و نمی دانیم از چه تاریخی موکریان - که بخشی از سرزمین ماد بوده- سکونتگاه آدیان شد، اما دانش بشر تا آن جا پیش رفته که ثابت نموده، انسان ها از دوران سنگی قدیم که بدان پالئولیت می گویند در این ناحیه زیسته اند. (به نقل از روزیانی، ۱۳۸۱ و ۳۲)

موکریان بخشی از سرزمین ماد کوچک بوده است. ویلیام جاکس عقیده دارد که: "زرتشت در جنوب دریاچه ارومیه (چی چست) به دنیا آمده و اینجا از آغاز تا به امروز بوده است و از چنین موردی مورخان مادی بودن کردها و مخصوصاً « موکریان » موطن موکریان را نتیجه می گیرند (تابانی، ۱۳۵۸، ۹۵، ۹۶). نیکیتین (۱۳۷۸) معتقد است: "کردهای مکر که افسانه های زیادی در باره این محل ها می دانند آنها را به عنوان شاهی بر این مدعا نقل می کند که خالصترین نژاد گرد هستند. با این حال، ایشان بی آن که خود بدانند دلایل معتبرتری دارند بر این که اصل ومبدأ آنها به مادها می رسد و این دلایل در زبانشان است که بنا به عقیده سوون بیش از همه لهجه های دیگر گردی به زبان اوستایی زرتشت نزدیکتر است (نیکیتین، ۱۳۸۷، ۳۵۹، ۳۶۰). ماننا در ۸۰۰ سال پیش از میلاد در موکریان کنونی بوده است. ناحیه دولت (ماننا) دشت های جنوب دریاچه ارومیه (موکریان کنونی) واقع بوده است (روزیانی، ۱۳۸۱ و ۳۳).

تحلیل فرآیند قبض و بسط سرزمین کردستان موکریان

فرآیند قبض و بسط سرزمین، یکی از موضوعات مهم در جغرافیای سیاسی است که در بررسی های جغرافیای تاریخی ایران کمتر به آن پرداخته شده است. نگرش تاریخی صرف در بررسی حکومت های ایران و تحولات سیاسی- اجتماعی آن ها مانع توجه به این امر شده است (حافظ نیا و ورزقانی، ۱۳۸۲ و ۷۵). بررسی حکومت ها و امرای منطقهای و حیطه جغرافیایی سیطره آنها و بررسی بسط و قبض سرزمین آنها در جغرافیای تاریخی از اهمیت ویژه ای برخوردار است و اگر از تجربیات گذشته استفاده شود و تجربیات درحافظه تاریخی ماندگار شوند، این مبحث جغرافیای تاریخی، در حل معضلات جغرافیای کنونی مرتبط با موضوع، کاربرد پیدا میکند. در بررسی الگوی حاکم بر فرآیند

پیوستگی و گسستگی سرزمین ایران در دوره تاریخی (صفویه تا انقلاب اسلامی)، پنج سلسله صفویه، افشاریه، زندیه، قاجاریه و پهلوی به ترتیب به قدرت رسیده‌اند.

فرآیند قبض و بسط سرزمین در ایران در چهار سده اخیر دارای پنج مرحله بوده است (حافظ نیا و ورزقانی، ۱۳۸۲).
الف- فروپاشی سلسله قدرتمند (شروع گسستگی)؛

ب- تشکیل حکومت های خودمختار و حاکمیت های منطقه‌ای و محلی (تشدید واگرایی و گسستگی)

پ- ظهور یک شخص قدرتمند در عرصه سیاسی (آغاز همگرایی و پیوستگی سرزمین)

ت- سرکوب مدعیان ورقیان منطقه‌ای و محلی (تقویت همگرایی و یکپارچگی)؛ ث- تثبیت حکومت و بسط

سرزمین با صرف نظر کردن از حاکمیت موقت عثمانی ها بر موکریان و پذیرش اینکه گوردستان موکریان اغلب جزو سیستم ایران بوده و با عنایت به این مسأله که الگوی فوق و مراحل آن در بسط و قبض سرزمین این ناحیه نیز دخالت داشته است تحلیل گسترش و قبض سرزمین در موکریان همواره وجود داشته، تفاوت حیطه های جغرافیایی آن را میتوان نتیجه فروپاشی و قدرتیگری حاکمیت ها و گاه اعمال سلیقه ها و دیدگاه های سیاسی سیستم های حاکم در چهار سده اخیر (از صفویه تا انقلاب اسلامی) محسوب کرد.

هرچند موکریان گاه صحنه درگیری بین دولت عثمانی و صفویه بوده و در طول چهار سده اخیر حکامی با گرایش های قومی و مذهبی متفاوتی داشته، ولی همواره به عنوان بخشی از سیستم ایران از جریان های فروپاشی و قدرتیگری حاکمیت ها تأثیر گرفته و بر بدنه سیستم نیز تأثیرگذار بوده است. به منظور تحلیل منطقی بسط و قبض سرزمین موکریان، در قالب سرزمین ایران (و گاه در جایگاه جبهه کارزار و درگیری های ایران و عثمانی) و متأثر از آن در دو مرحله گسست سرزمینی می شود.

شروع گسست سرزمینی پس از فروپاشی سلسله قدرتمند

در چهار قرن اخیر، فروپاشی سلسله امرای قره قویونلو و آق قویونلو (در آستانه ظهور صفویه) و در آغاز دوره افشاریه (همزمان با پایان عصر صفویه) در ایران، باعث ایجاد گسست سرزمینی شد. در پایان سلسله زندیه (آغاز قاجاریه) ابتدا کشور به چندین منطقه تحت حکومت اشخاص مختلف تقسیم شد. واگرایی و گسست سرزمینی در پایان دوره قاجاریه (اواخر سلطنت احمد شاه قاجار) باعث ایجاد قیام های متعددی شد و مناطق خودمختاری ایجاد شدند (نقل به مضمون - حافظ نیا و ورزقانی، ۱۳۸۲). در گوردستان موکریان شورش سمکو و خواست استقلال طلبی وی (کوچیرا، ۱۳۷۳، ۶۴). پس از سقوط سلسله پهلوی (تا تثبیت: کل منطقه را دربرگرفت (حکومت اسلامی) نیز مناطق مرزی و پیرامونی ایران به صورت مناطق آشوب زده تبدیل شدند و نافرمانی های محلی و منطقه‌ای اوج گرفت.
در گوردستان و به ویژه در موکریان باهدف کسب استقلال و خودمختاری فعالیت های سیاسی- نظامی و تنش های منطقه‌ای گسترش یافت (ایزدی، ۱۹۹۲). جریان های منطقه‌ای فوق در مقاطع زمانی و مکانی تمایل به گسست سرزمین را در منطقه رونق بخشید.

جغرافیای طبیعی

از آنجا که جغرافیای تاریخی بازنمود ریشه های مسائل مکانی و فضایی گذشته، برای تحلیل الگوها و فرآیندهای فعلی است (شکویی، ۱۵۱، ۱۳۷۸) و با توجه به ثبات نسبی ویژگیهای جغرافیای طبیعی حداقل برای چند سده و فراهم شدن امکان مقایسه اطلاعات بررسیهای انجام شده (در بطن منابع اشاره شده در متن) با وضعیت کنونی و صحت و سقم آنها، برخی ویژگی های جغرافیای طبیعی ارائه شده بررسی و مقایسه میشوند:

توپوگرافی

در (DEM) از طریق نقشه های توپوگرافی امکان تهیه مدل سه بعدی ارتفاع وجود دارد (قهرودی تالی، ۱۳۸۳). بر اساس مدل سه بعدی ارتفاعی تهیه شده GIS محیط منطقه، از لحاظ توپوگرافی در گوردستان موکریان حداقل در چهار سده اخیر دو دسته سرزمین قابل تفکیک، هموار و ناهموار وجود داشته اند که کوهستان و دشت و جلگه هاستند.

رشته کوه های موکریان به طور کلی

به دو دسته: ۱- رشته غربی ۲- سلسله جبال شرقی

تقسیم می شوند که هر دو از نظر کشیدگی از جهت عمومی زاگرس تبعیت می کنند و جهت آنها شمال غرب- جنوب شرق است. مطالعات اخیر صحت نوشتار منابع جغرافیایی دموگران (۱۳۳۹)، مینورسکی (۱۹۸۳)، نیکیتین (۱۳۶۶ و ۱۳۷۸)، حوزنی (۱۹۳۸) و اغلب محققان را در این زمینه نشان میدهد (نقشه ۱۵).

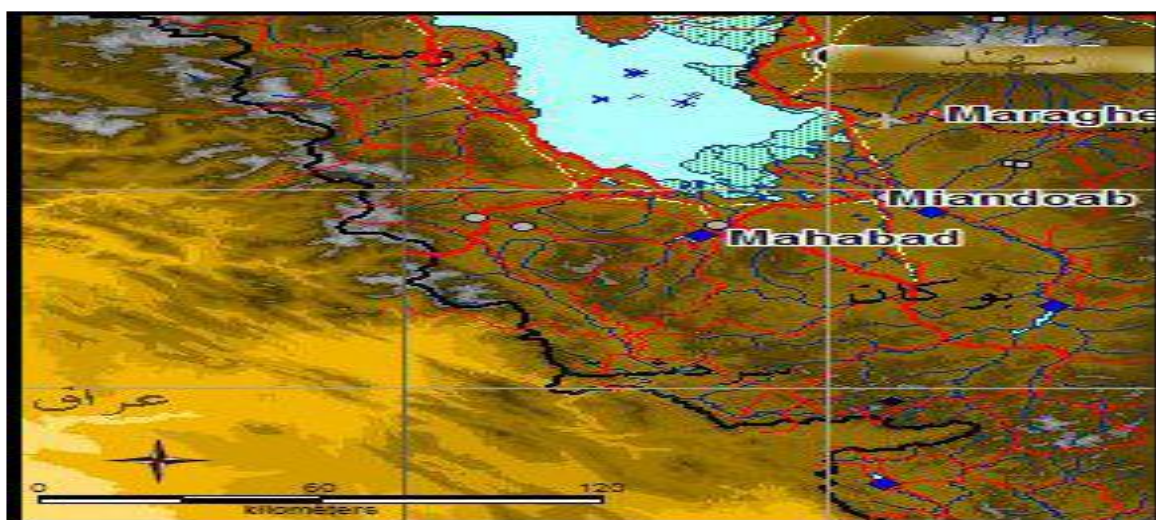
براساس بررسی های کنونی مرتفع ترین قله ارتفاعات غربی موکریان ۳۶۲۰ متر است که کيفارستان نام دارد و در غرب پیرانشهر واقع است و پست ترین نقطه در محل ورود رودخانه زاب به خاک عراق (در جوار روستای هرزنه) قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریا ۶۵۰ متر است و پست ترین نقطه موکریان محسوب میشود. در هیچ کدام از منابع ارتفاع دقیق ثبت نشده و تنها به وجود ارتفاعات بیش از ۳۰۰۰ متر در بخش غربی موکریان اشاره شده است (دموگران، ۱۳۳۹؛ نیکیتین، ۱۳۶۶ و حوزنی ۱۹۳۸).

رشته شرقی ارتفاعات موکریان، دره رودخانه زاب را در برگرفته و به موازات رشته غربی تا بخش علیای دره رودخانه جغتو (زربنه رود) کشیده شده است و ارتفاعات و قله داخلی. موکریان را در بر دارد (نقشه ۱۵).

سرزمین های هموار که شامل دشت ها و جلگه ها هستند، در منطقه گسترش دارند.

مهمترین جلگه موکریان، جلگه مهاباد (سابلاغ) است که با شیب ملایم به دریاچه ارومیه منتهی می شود. در منابع بررسی شده به حاصلخیزی جلگه فوق اشاره شده است (حوزنی، ۱۹۳۸). دشت های موکریان نیز به دو دسته تقسیم می شوند: دشت های جوار رودخانه ها معمولاً پست بوده، و سعت بیشتری دارند، ولی دشت های محصور در کوهستان ها اغلب مرتفع بوده، و سعت چندانی ندارند. نتیجه این که صحت نسبی مطالب منابع فوق الذکر در زمینه مسائل توپوگرافی موکریان وجود دارد.

نقشه ناهمواری ها و شبکه آبها در گوردستان موکریان



آب ها

میتوان برای روشن نمودن وضعیت و جهت شبکه آب ها به تهیه مدل هیدرولوژیکی سه بعدی پرداخت (مطیعی، ۱۳۸۲). با فرض ثبات نسبی شبکه های اصلی رودخانه ای در حریم بسترهای استثنایی در دره ها حداقل در چهار سده اخیر، براساس مدل جهت جریان، از لحاظ آبهای سطحی و شبکه هیدروگرافی در گوردستان موکریان دو حوضه مجزأ وجود دارد: حوضه رودخانه زاب کوچک (کلوه)، که آب بخش غربی گوردستان موکریان را جمع آوری نموده و از کشور خارج می کند و حوضه دریاچه ارومیه که حوضه ای داخلی بوده، آب کوهستان های شرقی موکریان را توسط رودخانه های زربنه رود، رودخانه مهاباد و رودخانه گادر جمع آوری می کنند و به دریاچه ارومیه میریزند (نقشه ۱۵). در منابع به طور توصیفی خصوصیات رودخانه های فوق ذکر شده است و مطالب اغلب منابع همخوانی نسبی با خصوصیات کنونی را در این زمینه نشان میدهند. علمی ترین منبع در این زمینه مطالعات هیأت علمی فرانسوی به سرپرستی دموگران است (دموگران، ۱۳۳۹).

آب و هوا

با پذیرش ثبات نسبی نوع اقلیم منطقه برای چند صد سال، از لحاظ آب و هوایی گُردستان موکریان دارای دو نوع آب و هوای کوهستانی سرد در ارتفاعات و کوهستانی معتدل در دره ها و سرزمین های هموار جوار رودخانه هاست. از لحاظ بارندگی دره زاب خصوصیت منحصر به فرد داشته و با بارش بیش از ۹۰۰ میلی متر بر اساس آمار ایستگاه های سینوپتیک هواشناسی منطقه، در سال نسبت به بخش داخلی موکریان با بارش متوسط ۵۰۰ میلی متر شرایطی ویژه و چشم اندازی متفاوت ایجاد نموده و پوشش جنگلی در آن گسترش یافته است. با توجه به اشارات منابع بررسی شده به گسترش جنگل ها تا ارتفاع ۲۰۰۰ متری در بخش غربی موکریان و اشتغال مردم در این بخش به فعالیت باغداری و انجام کشت و زرع در بخش شرقی موکریان (دمورگان، ۱۳۳۹)، میتوان خصوصیات کلی عناصر جوی منطقه را با زمان کنونی مشابه دانست و صحت اطلاعات اکثر منابع را درک کرد. از لحاظ دما نیز گُردستان موکریان در ارتفاعات دارای نوسانات درجه حرارت زیادی بوده، در مناطق پست تر بر عکس نوسان دمایی کمتر است. متوسط دمای میانگین در اکثر ایستگاه های هواشناسی منطقه از ۱۱ تا ۱۳ درجه سانتیگراد نوسان دارد. گُردستان موکریان تحت تأثیر توده های مرطوب مدیترانه ای قرار دارد و دره زاب به عنوان مهمترین سلول پرباران کشور در موکریان قرار دارد. در این زمینه اشارات دمورگان (۱۳۳۹) بسیار دقیق به نظر میرسد؛ آن جا که می نویسد: در فصول سرد سال از ۱۵ دسامبر همه ساله، ارتباطات در کر تک مطلقاً قطع است.

در این موقع، بخش های بانه و سردشت دیگر ارتباطی بادیگر نقاط دنیا ندارند و این وضع نابهنجار در تمام مدت زمستان تا ماه مارس ادامه می یابد (دمورگان، ۱۳۳۹، ۱۶)

جغرافیای انسانی

بر اساس منابع موجود، در دو سده پیش در موکریان زندگی به دو شیوه یکجانشینی و نیمه کوچ نشینی بوده و مهمترین مراکز یکجانشینی شهرهای ساوجبلاغ (مهاباد)، بوکان، سردشت، بانه، سقز و اشنویه بوده اند. بقیه جمعیت به صورت نیمه کوچ نشین در قالب ایلهای مهم، همچون منگور، مامش، ملکری، بریاجی، آلان و ... بوده اند. برخی از عشایر کُرد در طول تاریخ نقش مهمی بازی کرده اند و هنوز هم از شهرت و اهمیت ویژه ای برخوردارند. در میان آنها میتوان عشایر زیر را نام برد: در عراق بابان، هموند و هرکی ها و در ایران شکاک، مکر، اردلان، جاف و کلهرها هستند (بلو، ۱۳۷۹، ۸ و ۹).

مبانی نظری

مفاهیم نابسندۀ در جغرافیای تاریخی

واژه "تاریخ باگذشته و یا حتی گذشته بشر هم معنا نیست و تاریخدان اغلب در این نگرش به سر می برده است که خود از وقایع نگار و عتیقه شناسی که هردو به گذشته بشری علاقمندند متمایز سازد. در مبحث تاریخ معنایی فراتر از صرف صف آرایی رخدادهای گذشته که ثبت آنها وظیفه وقایع نگار خواهد بود نهفته است. همچنین تاریخ به طور غیر مستقیم بیانگر چیزی متفاوت با انواع تحلیل هائی است که در قلمرو علوم اجتماعی صورت میگیرد. علاقه اصلی تاریخدان ارزیابی اهمیت کنش های گذشته است. این مفهوم تکامل و گزینش را به روشنی در عبارت دو واژه ای "رخداد تاریخی" می توان دید. همه رخدادها و کنش های گذشته از اهمیت تاریخی برخوردار نیستند: در واقع واژه های "رخداد تاریخی" و "کنش تاریخی" تلویحاً به معنی وجود معیاری است استوار بر این پایه که کدامین رخدادها یا کنشهای معین به لحاظ اهمیت تاریخی ذاتی خود از دیگر رخدادها و کنش ها متمایزند. پایگاهی که یک کنش یا رخداد بشری منزلت تاریخی خود را از آن کسب می نماید، در فلسفه تاریخی پرسش تعیین کننده به حساب می آید. هیچ تاریخدانی قادر به باز آفرینی گذشته بدان گونه که واقعاً رخ داده است نیست. هر تاریخ گزینشی از واقعیت ها را شامل می گردد. حتی اگر معیارهای واقعی که بر اساس آن پدیده ها منزلت تاریخی می یابند همیشه روشن نباشند، در وجود این چنین معیارهایی جای هیچ گونه تردیدی نیست. در واقع اگر معیارهای گزینش فراهم نبودند، هیچ بنیاد منطقی دال بر این که توجیهی درباره گذشته بهتر از توجیهی دیگر است "مشروط بر این که هر کدام شامل احکامی واقعی باشند وجود نمی داشت. مفاهیم جغرافیای تاریخی که وسیعاً مورد پذیرش جغرافیدانان نوگرا واقع گردیده بر بنیاد اندیشه های تقریباً شکل گرفته مرتبط با معنای تاریخ استوارند. این وضعیت تا حدود زیادی محصول شکوفائی شرایط ویژه ناظر بر شکل گیری جغرافیای تاریخی علمی است و خود باید از دیدگاه تاریخی در گردد. اندیشه های مربوط به جغرافیای تاریخی که توسط چهره های مطرحی چون هارتس هورن و ساورو داری و کلارک به منصفه ظهور رسیده اند بر بنیاد درکی زمانمند از تاریخ استوارند. این مفهوم تاریخ و سیعاً مورد پذیرش صاحب نظران جغرافیای تاریخی و از جمله بسیاری از پژوهندگان برخوردار از باورهای انسان دو ستانه چون رایت قرار گرفته است. صاحب نظران جغرافیای تاریخی می توانند با قید این که داشتن مفهوم صریح از تاریخ جزئی جدائی ناپذیر جغرافیای تاریخی است زمینه مورد علاقه خویش را استحکام بخشیده، بر غنای آن بیفزایند. مساله مفهوم تاریخ در جغرافیای تاریخی تا حدودی مربوط به سنت مباحث فلسفی و روش

شناختی در جغرافیاست. جغرافی دانان چنین تمایل داشته اند که پرسش های فلسفی و روش شناختی را جدا از سایر نظام ها به حساب آورند. هاروی در تبیین جغرافیا قاطعانه این سنت را شکست و اما با این وجود جغرافی دانان تاریخی تاکنون به ندرت نشانده ای بارز دال "بر تشخیص این نکته که وجود متون فراوان در فلسفه تاریخی برای آنها حائز اهمیت حیاتی است از خود نشان داده اند.

هنگامی که اندیشه های نو و مفاهیم تازه درباری تاریخ پدیدار می شود، مخاطبین آنها بیشتر جغرافی دانان و جامعه شناسان و مردم شناسان هستند تا فلاسفه تاریخ هرچا که در نوشته یک شخصیت فلسفی تلاش هایی در معرفی صاحب نظران جغرافیای تاریخی صورت گرفته است و آن نوشته اغلب به طور حاشیه ای دارای محتوای تاریخی بوده است. حتی در مواردی که صاحب نظران جغرافیای تاریخی نسبت به مفاهیم منسجم تر تاریخ از خود آگاهی نشان داده اند و این دانش معمولاً به طور مناسب با مفهوم جغرافیای تاریخی مورد نظر عجین نشده است. تایید صرف یک مفهوم، تازمانی که آن مفهوم به جزئی اصلی خاستگاه کلی فرد درباری یک موضوع تبدیل نشده است و حائز اهمیت واقعی به حساب نمی آید. یک مفهوم به معنایی روشنفکرانه تنها زمانی حائز اهمیت است که بتواند منطقاً در مجموعه ای منسجم از مفاهیم جای گیرد. براین اساس و چنین استدلال گردیده است که جغرافی دانان تاریخی از مفهومی بسنده از تاریخ بی بهره بوده اند.

جغرافیای تاریخی و مفهوم تاریخ

مفهوم زمانی تاریخ که در نوشته های هارتس هورن و ساورو کلاک دیده میشود وسیعاً به جغرافیای تاریخی راه یافته است. البته جغرافی دانان تاریخی گمان نمی کردند بتوانند گذشته واقعی را بازسازی اما تشخیص مدانند که هر بررسی جغرافیائی تاریخی شامل گزینه ای از واقعیت هاست. و این که به طور مستقیم و یا غیر مستقیم، توسط جغرافی دانان تاریخی ثبت شده است استوار گردیده است. اما این مفهوم زمانی نتوانسته است هیچگونه معیار صراحتاً تاریخی را که جغرافی دانان تاریخی گزینش خویش را مبنای آن انجام دهند در اختیار آنها قرار دهد. دریک کلام، جغرافیای تاریخی چیزی متفاوت با زمین شناسی تاریخی به حساب نمی آید و اما از نظر زمین شناس تاریخچه ی سنگها فرایندی از دگرگونی های بیرونی در صورت اشیا است - و نمی تواند چیز دیگری باشد. تاریخ فعالیت های بشری که همین شیوی برخورد در مورد آن صورت گرفته از شناخت این نکته که کلید فهم جوامع بشری روابط درون بند و نه روابط بیرونی عاجز مانده است. نظام تاریخ محدود است به مطالعه ی امور بشری و زیرا تاریخ دانان تلویحاً به وجود تمایزی اساسی میان مطالعه ی طبیعت و جامعه بشری پی برده اند. کالینک وود اساس ای تمایز را چنین بیان می کند: یک فرایند طبیعی فرایندی از رویدادهاست و انسان تنها موضوع فرایند تاریخی انگاشته شده است و زیرا اوبه مثابه تنها جاندار به حساب آمده است که می اندیشد و یا تا بدان اندازه می اندیشد و یا آن قدر آشکارا می اندیشه های خویش تعبیر نماید. این باور رایج که واژه تاریخ با گذشته هم معناست در مطالعات جغرافیای تاریخی تعیین کننده بوده است و به این معنی که این باور دانشمندان را به دیدن فعالیت بشری به عنوان آفرینشی بدیع و نه آفرینشی تاریخی تشویق نموده است. شماری از مفاهیم چون فرهنگ و ویژگی های آن به جغرافی دانان فرهنگی فرصت داد تا درباری تفاوت های اساسی میان جهان بشری و جهان طبیعی داد سخن دهند. با این وجود به کارگیری این گونه مفاهیم اغلب بدین معنا بوده که پرسش های تاریخی مهم هرگز مطرح نگردد. به عنوان مثال "این باور که گروه های قومی قادرند شالوده ای را بنه نهند که براساس آن بتوان جغرافیای تاریخی یک منطقه را تبیین کرد، براین فرض استوار است که یک گروه قومی خارج از فرایند تاریخی وجود دارد نه این که به قول معروف "توسط آن خلق و نابود می گردد. یک ضعف اساسی در سه قرن و جزیره نوشته کلاک این بود که این اثر فاقد درک روشنی از تاریخ بود. بررسی کنش های گذشته بشر بر روی زمین استعداد تبدیل شدن به رشته ای کاملاً تاریخی را دارا باشد. این استعداد در صورتی می تواند واقعیت یابد که جغرافی دانان تاریخی معنای کنش های بشری دارای علائق جغرافیائی و نه صرفاً توصیف های جغرافیای خویش را در کانون توجه قرار دهند. واژه "تاریخی" در این بلاغت کلامی به "نظام تاریخ" اشاره ندارد بلکه به منظور باز شناسی باورها و کنش هایی که ما را در فهم چگونگی شکل گیری فعالیت بشری بر روی زمین کمک می نمایند از باورها و کنش هایی که کمکی به ما نمی نمایند به کار رفته است. برای مرتبط ساختن فعالیت های جغرافیائی به مجموعه های اجتماعی و نهادینه که این فعالیت در چارچوب آن شکل می گیرد تلاشی هشیارانه لازم است.

نتیجه گیری

بخشی از علم جغرافیا، به جغرافیای تاریخی اختصاص دارد، ولی در تعیین حدود قلمرو آن هیچ گونه توافقی بین جغرافیدانان صورت نگرفته است. از دیدگاه برخی جغرافیدانان، در جغرافیای تاریخی ساختمان و اسکلت محیط های جغرافیایی در دوره های تاریخی تجدید بنا میگردد و تکامل کشور ها و نقش یابی آن ها در دوره های تاریخی مورد توجه قرار میگیرد (شکویی الف، ۱۳۶۴، ۳۶). با پذیرش این دیدگاه، جغرافیای تاریخی راهنمایی است برای اشخاصی که در هنگام مسافرت و سیاحت میخواهند در ضمن سفر روزگار گذشته، سرزمین مورد بازدید را در نظر مجسم کنند. باتوجه به این که در مطالعات جغرافیای تاریخی، روابط مکانی انسان در قلب مقاطع زمانی، بررسی میشود، لذا بررسی های جغرافیای تاریخی، چگونگی مسایل جغرافیایی امروز بشر را روشن می سازند (بیگ محمدی، ۱۳۷۸، ۱۵).

نظرات در مورد وجه تسمیه موکریان متفاوت است. ولی نظر مستند اینکه «موکری» بوده «مغ ریان» = راه مغان = راه مغ ها « بوده و موکریان نیز «مغ راه» یا «مغ ری» در اصل و سپس به مفریان و موکریان تغییر یافته است. موکریان سرزمینی کوهستانی است و دارای ناهمواری ها و دشت و جلگ ههای محدود است.

آب و هوای آن کوهستانی سرد (در ارتفاعات) و کوهستانی معتدل (در مناطق پست) است و آب های سطحی بخش غربی توسط رود زاب (کلوه) از منطقه خارج شده و رودخانه های زربنه رود، سیمینه رود، گادر و مهاباد آب بخش کوهستان شرقی را به دریاچه ارومیه وارد میکنند.

بر اساس مطالعات جغرافیای تاریخی محدوده موکریان در شمال، ارتفاعات اشنویه و جنوب دریاچه ارومیه بوده و محدوده غربی آن کوه های مرزی ایران و عراق (کنونی) بوده است.

ساوجبلاغ مکر (مهاباد کنونی) همواره مرکز موکریان بوده و شهرهای ساوجبلاغ مکر، بوکان، سردشت و اشنویه همواره جزو موکریان بوده اند. ایل های منگور، مامش، ملکری، آلان و ... در موکریان زندگی نیمه کوچ نشینی داشته اند. براساس بررسی منابع اسنادی مکتوب و سعت موکریان در دوره های مختلف (چهار سده اخیر) متفاوت بوده و محدوده و حیطه جغرافیایی آن دستخوش تحول بوده است. گسترش (بسط) و قبض سرزمین موکریان در دوره تاریخی (صفویه تا انقلاب اسلامی) تابعی از قدرتمندی و ضعف سیستم حاکمیت مرکزی و محلی بوده و به تبع فروپاشی سلسله های قدرتمند گسستگی سرزمینی ایجاد شده و تشکیل حکومت های محلی و منطقهای خودمختار و نیمه مستقل آغاز شده است. در مراحل بعدی با گسترش حاکمیت قوی و مقتدر گسست سرزمینی روند کاهشی داشته است. مستشرقان و جغرافیدانان از اوایل قرن نوزدهم میلادی به این منطقه آمده اند.

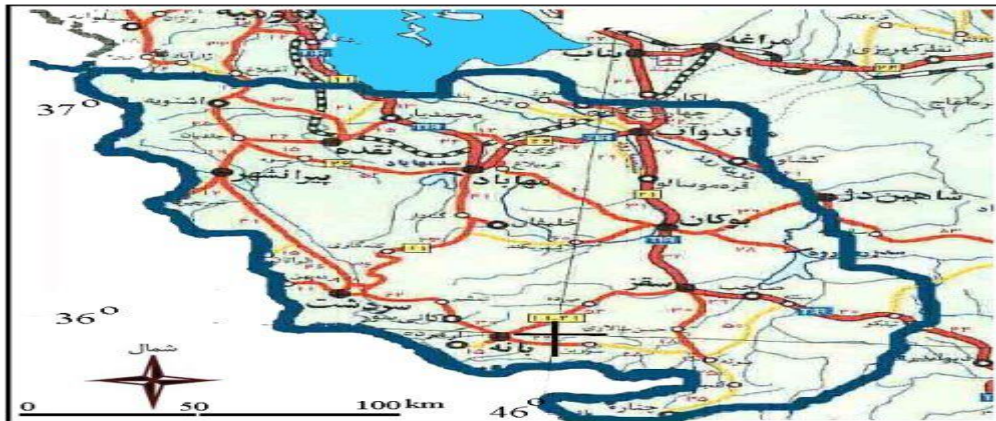
مطالعات اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مستشرقان فوق از دیدگاه جغرافیایی در خصوص موکریان و سیر تحول آن از ارزش والایی برخوردار است. به استناد منابع شغل مردم در چهار سده اخیر زراعت و دامداری بوده است. مردم موکریان از دیرباز به صورت یکجانشین و نیمه کوچ نشین در منطقه زیسته اند، ولی اکنون اغلب زندگی به صورت یکجانشینی است.

مدیریت هوشمندانه سیاسی امیرکبیر و احساس عمیق میهن-دوستی وی، سبب شد نخبگان سیاسی مناطق مختلف و دوردست ایران در اداره کشور به خدمت گرفته شوند و از توان آنان بهره برداری گردد. در واقع عزیزخان مکر، تجلی اصل اراده همگان در مدیریت کشور و نتیجه سیاست خردورزانة امیرکبیر است. ارتقای عزیزخان به مناصب ارشد سیاسی، نشان دهنده مشارکت برابر و عاری از تبعیض در ساختار قدرت بود که در نتیجه آن، تمایزهای قومی و مذهبی کردها، بسیار کم رنگ تر شد. دفاع کردها از مرزهای ایران، که در تنش های مرزی ایران و عثمانی که به سرکردگی عزیزخان انجام می شد، بهترین شاهد این مدعا است.

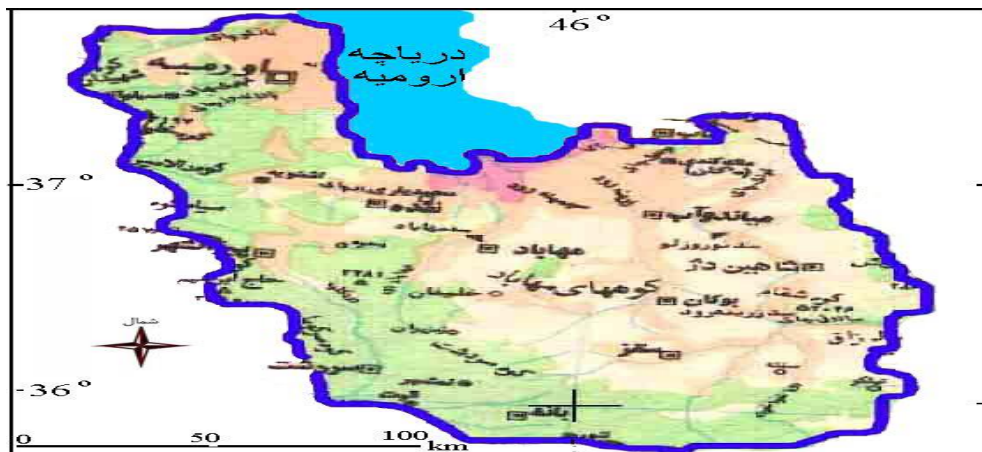
خرد سیاسی و نبوغ نظامی عزیزخان، عامل تعیین کننده در سیاست خارجی با عثمانی بود. سیاست مبتنی بر عقلانیت و به دور از تنش زایی و ماجراجویی عزیزخان، ایران را در برابر عثمانی ها مصون می داشت و مهم ترین عامل در ایجاد هم دلی کردها با دولت مرکزی آن دوره و دفاع پر شور آنان از مرزهای ایران و سد تجاوزها و تعدی های مرزی دولت عثمانی بود. چنین سیاستی، موجب شد در این دوره، که مرزهای ایران و عثمانی مشخص می شد، کردهای سنی مذهب، به اراده و اختیار خود، مانند در قلمرو ایران را انتخاب کنند.

با توجه به نتایج این مطالعه، به حکومت ایران در دوره کنونی و حاکمان آینده این مملکت، پیشنهاد می شود که با مروری بر دوره عزیزخان مکر و شایسته سالاری امیر، درس های لازم را فراگیرند و در برنامه ریزی های خود، به این امر توجه داشته باشند که برای اداره منطقه و ایجاد روابط حسنه با حکومت مرکزی، تمایزات فرهنگی و دینی را در نظر گرفته مردان و زنان این منطقه را در مصدر کارها قرار دهند.

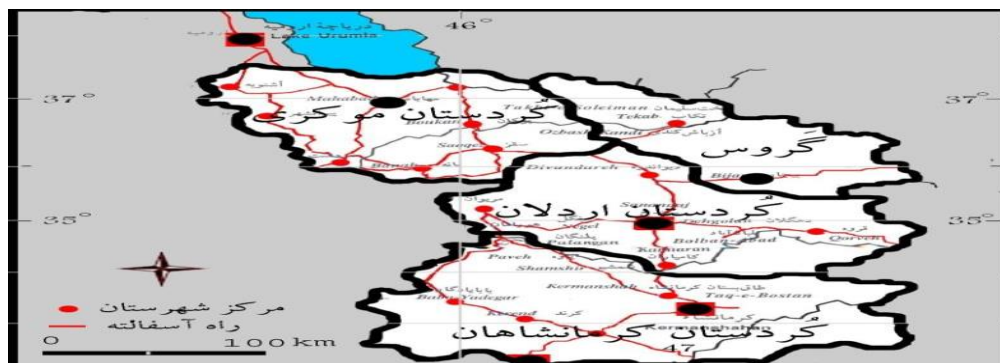
نقشه ۳- موکریان سرزمین ماد کوچک (آتروپاتگان) از ۴۰۰ سال قبل از میلاد تا آغاز صفویه- (حوزنی، ۱۹۳۸ و حزن۱۳۸۲).



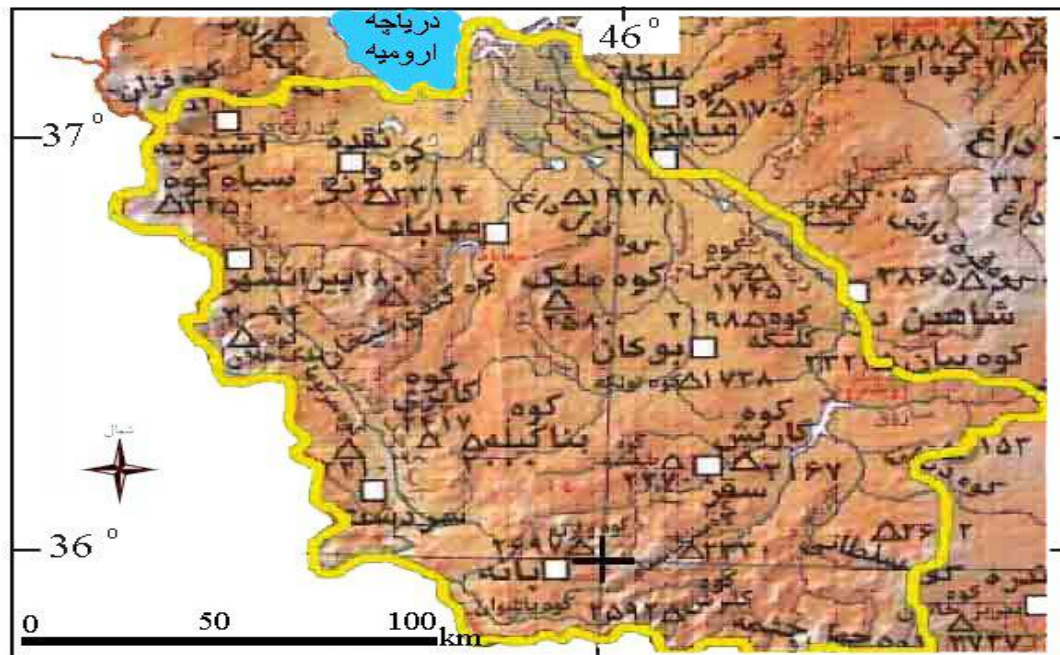
نقشه ۴- محدوده موکریان از صفویه تا آغاز حکومت ناصرالدین شاه قاجار- (روژبیانی، ۱۳۸۱)



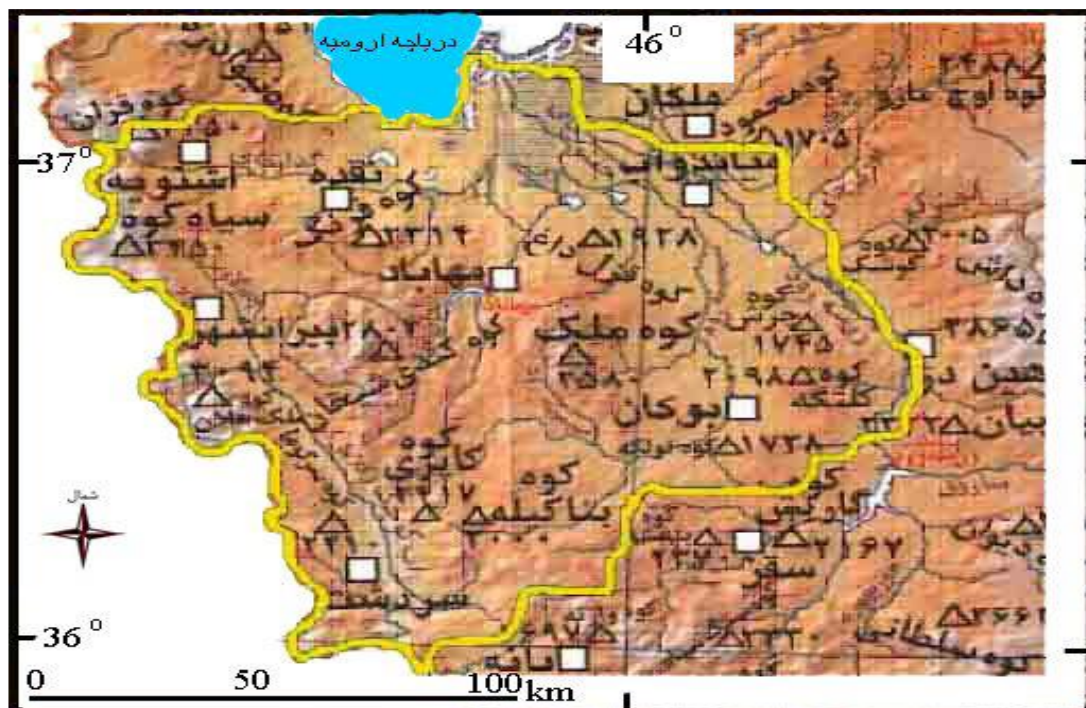
نقشه ۵- تقسیمبندی کردستان ایران از دیدگاه جغرافیدانان قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم - (نیکیتین،)



نقشه ۶) محدوده گردستان مکری در پایان عصر قاجار (نیکیتین، ۱۳۶۶، ۱۳۷۸).



نقشه ۷) محدوده موکریان در آغاز دوره پهلوی اول - (افخمی، ۱۳۷۳)



نقشه ۹) توابع ساوجبلاغ مکرری به عنوان مرکز موکریان تا سال ۱۳۲۲ ه. ش - اوایل حکومت پهلوی دوم (صمدی، ۱۳۶۳)



منابع و مراجع

- [۱] ابریشمی، عبدالله (۱۳۷۸)؛ مسئله گرد در خاورمیانه، انتشارات توکلی، تهران.
- [۲] افخمی، ابراهیم (۱۳۷۳)؛ تاریخ فرهنگ و ادب مکریان، ج دوم، انتشارات محمدی، سقز.
- [۳] بارتولد، و. (۱۳۵۸)؛ جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سردادور (طالب زاده)، چاپ دوم، انتشارات توس، تهران.
- [۴] بختیاری، سعید (۱۳۸۰)؛ اطلس راههای ایران، موسسه گیتاشناسی، تهران.
- [۵] بدلیسی، شرفخان (۱۳۶۴)؛ شرفنامه، به کوشش محمد محمدلویی عباسی، انتشارات علمی، تهران.
- [۶] بلو، ژویس (۱۳۷۹)؛ مساله گرد (بررسی تاریخی و جامعه شناسی)، ترجمه پرویز امینی، انتشارات دانشگاه کردستان، ۱۰۷ صفحه، سنندج.
- [۷] بیگ محمدی، حسن (۱۳۷۸)؛ مقدمه ای بر جغرافیای تاریخی ایران، انتشارات دانشگاه اصفهان. چاپ دوم، انتشارات سیدیان، مهاباد. «در نمونه کردستان مکری»
- [۸] تابانی، حبیب الله (۱۳۵۸)؛ کردستان
- [۹] جمعی از دبیران جغرافیا (۱۳۷۲)؛ جغرافیای استان آذربایجان غربی، نشر ایران، تهران.
- [۱۰] حافظ نیا، محمد رضا و ورزقانی، هادی (۱۳۸۲)؛ الگوی حاکم بر فرآیند پیوستگی و گسستگی سرزمینی در ایران، مجله ۷۵، تهران. - پژوهش های جغرافیایی، شماره ۴۵، دانشگاه تهران، صص ۹۰
- [۱۱] حزنی، حسین (۱۳۸۲)؛ کردستان مکریان یا آتروپاتین، ترجمه حسن داودی، ناشر مترجم، سنندج.
- [۱۲] حوزنی، حسین (۱۹۳۸)؛ کوردستانی مکریان یا آتروپاتین (از ابتدای تاریخ تا سیف الدین موکری)، ج اول، به زبان کردی، نشر زاری کرمانجی، عراق، رواندز.
- [۱۳] خضری، سعید (الف ۱۳۷۹)؛ جغرافیای طبیعی کردستان مکریان، انتشارات ناقوس، تهران.
- [۱۴] دوهفته نامه زیربار، ب ۱۳۷۹ شماره ۱۴، مریوان. «هویت تاریخی و جغرافیایی کردستان مکریان»
- [۱۵] (ج ۱۳۷۹)؛ برخورد عقاید بر سر جغرافیای کردستان مکریان، هفته نامه آیدر، شماره ۶۹، سنندج.
- [۱۶] (د ۱۳۷۹)؛ نقد یا غوغا سالاری، هفته نامه سیروان، شماره ۲۵، سنندج.
- [۱۷] خیراندیش، رسول و دیگران (۱۳۷۸)؛ تاریخ شناسی، چاپ پنجم، شرکت چاپ و نشر ایران، تهران.
- [۱۸] دمورگان، ژاک (۱۳۳۹)؛ جغرافیای غرب ایران، ترجمه کاظم ودیعی، ج دوم، چاپخانه شفق تبریز، تبریز.
- [۱۹] دیاکونوف، م.م. (۱۳۴۵)؛ تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران.
- [۲۰] رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۵)؛ جغرافیای تاریخی ساوه، مجله پژوهش های جغرافیایی، شماره ۵۶، صص ۱۷، ۳۲، دانشگاه تهران.
- [۲۱] روژبانی، محمد جمیل (۱۳۸۱)؛ فرمانروایی مکریان در کردستان، ترجمه شهپاز محسنی، نشر آنا، تهران.
- [۲۲] رهنمایی، محمد تقی (۱۳۷۱)؛ شهرنشینی و شهرسازی در ایران، منشأ و روند و وضع کنونی، مجموعه مقالات جغرافیایی (جشن نامه دکتر محمد حسن گنجی)، به کوشش ایرانپور جزینی، انتشارات گیتاشناسی، تهران، صص ۱۳۵، ۱۶۴ تهران.
- [۲۳] سازمان جغرافیایی کشور (۱۳۷۰-۱۳۷۶)؛ نقشه های توپوگرافی ۱/۵۰۰۰ منطقه، تهران.
- [۲۴] سازمان هواشناسی کشور (۱۳۸۵)؛ سالنامه های آمار هواشناسی ۳۰ ساله منطقه، تهران.
- [۲۵] شکویی، حسین (الف ۱۳۶۴)؛ فلسفه جغرافیا، انتشارات گیتا شناسی، تهران.
- [۲۶] (ب ۱۳۶۴)؛ جغرافیای کاربردی و مکتب های جغرافیایی، انتشارات آستان قدس رضوی، ۲۰۸ صفحه، مشهد.
- [۲۷] شکوهی، حسین (۱۳۷۸)؛ اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا، جلد اول، چاپ سوم، انتشارات گیتا شناسی، تهران.
- [۲۸] شبلینگ، ژاک (۱۳۷۷)؛ جغرافیا چیست، اقتباس سیروس سهامی، انتشارات محقق، مشهد.
- [۲۹] صفی نژاد، جواد (۱۳۶۷)؛ جمعیت عشایری ایران، مجموعه مقالات جغرافی، شماره ۴، به کوشش حسین پاپلی یزدی، ۵۶، مشهد.
- انتشارات آستان قدس رضوی، صص ۵
- [۳۰] صمدی، سید محمد (۱۳۶۳)؛ تاریخچه مهاباد، ناشر مؤلف، مهاباد.
- [۳۱] در ژئومورفولوژی، انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت معلم، تهران. Arc view 31 قهرودی تالی، منیژه (۱۳۸۳)؛ کاربرد
- [۳۲] کسروی، احمد (۱۳۷۸)؛ تاریخ ۱۸ ساله آذربایجان، چاپخانه سپهر، تهران.
- [۳۳] کوچیرا، کریس (۱۳۷۳)؛ جنبش ملی گرد، ترجمه ابراهیم یونسی، انتشارات نگاه، تهران.
- [۳۴] محمودی، فرج الله (۱۳۷۵)؛ جغرافیای ایران، دفتر برنامه ریزی و تالیف کتب درسی، نشر ایران، تهران.
- [۳۵] مطیعی، همایون (۱۳۸۲)؛ آشنایی با آرک ویوو و برنامه های جانبی، انتشارات صنعت آب و برق، تهران.

- [۳۶] میر حیدر، دره (۱۳۵۷)؛ اصول و مبانی جغرافیای سیاسی، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- [۳۷] مینورسکی، ولادیمیر (۱۹۸۳)؛ کُرد، ترجمه مارف خزانه دار، انتشارات دانشگاه صلاح الدین، به زبان کُردی، عراق، اربیل.
- [۳۸] (۱۹۵۷)؛ مکان های جغرافیایی مغولی در کُردستان موکریان، شماره اول، مرکز شرق شناسی و تحقیقات آفریقایی
- [۳۹] نهچیری، عبدالحسین (۱۳۷۰)؛ جغرافیای تاریخی شهرها، انتشارات مدرسه، چاپ اول، ۴۴۰ صفحه، تهران.
- [۴۰] نیکیتین، واسیلی (۱۳۶۶)؛ کُرد و کُردستان، ترجمه محمد قاضی، چاپ دوم، انتشارات نیلوفر، تهران.
- [۴۱] (۱۳۷۸)؛ کُرد و کُردستان، ترجمه محمد قاضی، چاپ سوم، انتشارات درایت، تهران.
- [۴۲] وقایع نگار کُردستانی، علی اکبر (۱۳۶۴)؛ حدیقه ناصریه در جغرافیا و تاریخ کُردستان، به تصحیح محمد رئوف توکلی، انتشارات وزیری، ۳۴۴ صفحه، تهران.
- [۴۳] آدمیت، فریدون، امیرکبیر و ایران، چ سوم، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی. تهران، ۱۳۴۸.
- [۴۴] اعتمادالسلطنه، محمدحسن-خان، مآثروالآثار (چهل- سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه)، ج اول، چ دوم، تهران، اساطیر، ۱۳۷۴.
- [۴۵] اقبال آشتیانی، عباس، «رجال دوره قاجاریه، عزیزخان سردار کل مکری»، مجله یادگار، سال چهارم، شماره ۱ و ۲، از ۴۰ تا ۵۸، ۱۳۲۶.
- [۴۶] بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۳ و ۱۴ هجری، تهران، زوآر، ۱۳۷۱
- [۴۷] بدلیسی، ئه میر شه ره ف خان بدلیسی، شه ره فنامه (میژوی ماله میرانی کوردستان)، وه ر گیرانی ماموستا هه زار، هه ولیر، ئاراس، ۲۰۰۶.
- [۴۸] پولاک، یاکوب ادوراد، سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)، ترجمه کیکاووس جهانداری، چ اول، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۸.
- [۴۹] حکیمی، محمود، داستان-هایی از زندگانی امیرکبیر، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
- [۵۰] خان ملک ساسانی، احمد، سیاستگران دوره قاجار، چ اول، تهران، مگستان، ۱۳۷۹.
- [۵۱] گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، چ اول، تهران، دفتر مطالعات وزارت امور خارجه، ج دوم، ۱۳۶۹.
- [۵۲] گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، چ اول، تهران، دفتر مطالعات وزارت امور خارجه، ج ۴-، ۱۳۷۰.
- [۵۳] مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه)، ج اول، چ اول، تهران، زوار ۱۳۸۴.
- [۵۴] مک داول، دیوید، تاریخ معاصر کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، انتشارات پانیذ، ۱۳۸۰.
- [۵۵] نادر میرزا، تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تبریز، انتشارات ستوده، ۱۳۷۳
- [۵۶] ناصرالدین شاه، سفرنامه کربلا، به کوشش ایرج افشار، تهران، فردوسی، ۱۳۶۳.
- [۵۷] روزنامه و فایع-الاتفاقیه، سال اول، شماره هفتم، هفدهم جمادی-الاول